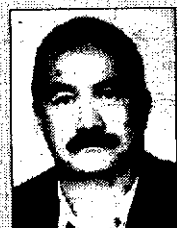


حاکمیت مذهبی در ایران پستیپه و چشم انداز



مهید تاقی - کرمان

وقتی اردشیر در خاندان سوسه بزرگ و روحانی پر نفوذ زرتشتی سامان بر تختگاه فارس می بنیاد. اردوان پنجم آخرین پادشاه اشکانیان فرمانروایی رویه افول خود را آغاز کرده بود و پس از چندی با شورش او شاهان اشکانی جای خود را به فرمانروایان اشکانه و شاهان ساسانی واگذار کردند. این سلسله ایان خود بعد از هندی یا دیگر شدن به جنگ های مذهبی و قتل عام های گوناگون مانویان، مزدکیان، بوداییان و مجره پایه های فساد، دزدی، قتل، ریا، تبعیض، فقر و زندان را در جامعه ای برپا می افکندند و بنیان حکومتی پدید آمده از سینه به سینه در اندیشه های روحانیون آشکنده داشتند و در مقابل دشمنان ضربه پذیر و شکننده کردند.

اعراب مسلمان با شعار برابری و برادری و عشق به شهادت و طمع در غنایم سرشار ایران به فرمان عمرین الخطاب، آخرین پادشاه ساسانی یزدگرد سوم را به مو میزاری ساختند. اما مردم ایران در قرون اولیه ای اسلامی با قیام های مسلحانه ای فراوان در مقابل اعراب ایستادگی کردند، ولی رها آورد آنها در این نبرد های بی سرانجام چیزی جز ناکامی و شکست نبود. بعدها ایرانیان تاکنیک مبارزه خود را در مقابل اعراب مومن به خدا از مبارزه مسلحانه به مبارزه فرهنگی تغییر دادند و با استفاده از شعار نهضت شعوبیه که برگرفته از آیه ای **آنا خلقناکم من نکر و انشی و جعلناکم شعوباً و قبائل لتعارفوا ان اکرمکم عند الله تقویکم بود بر علیه تازیان یک** مبارزه فرهنگی و طولانی مدت را شروع کردند.

البته پیش از این مردم به ستوه آمده ای از آن فشار حکام مسلمان اموی از بعضی کبریه آنها هستند روی به درگاه معارضین حکومت مرکزی عرب که آل علی (ع) بودند آوردند و در شمال ایران به یاری فرزندان اصنام حسن (ع)، اولین حکومت علوی را در قرن چهارم ایجاد کردند تا بدین وسیله همراه با نام مسلمانان باعث تسریع در اخراج اعراب کردند. اما گذشت زمان و تسلط ترکان، مغولان و تیموریان و ناکامی های بی رویی فراموشی از هدف بزرگ را به همراه داشت. حاصل کار این که بعدها غازی به نام شیخ زاهد گیلانی، شیخ صفی قندین اردبیلی (۱) داماد خود را برای جانشینی خویش به مریدان خود معرفی نمود تا یکی از مریدان او یا نام شاه اسماعیل صفوی تشیع را که از پدران خود به ارث برده بود مذهب رسمی مردم ایران معرفی کند، و به این وسیله به مصاف طرفداران مذاهب دیگر برود. پیکار روحانیون صفوی با مخالفین که این بار هم مانند عصر سلطنتیان رای شاهان با مرام و نظر آنان همراه بود. حاصلی جز فقر و تبعیض، فساد، قتل و کشتار و از همه مهم تر قرار مغزها را بر روی کشور در پی گذاشت. چنان که پیدایش سبک هندی در ادبیات پارسی در شبهه کاره هند و ترکیه ای امروز حاصل همین فشارها بود.

این بار جنگ مذهب، علیه مذهب دولت گرفتار صفوی و مردم بی نای و رمق را تسلیم منصور افغان نمود. او دستوراته بدون ایستادگی هنجویان، با تاج شاه سلطان حسین از کاخ شاهن در اصفهان بیرون آمد و پلین رعیت شاهان صفوی را که خود را مرشد مردم می دانستند اعلام نمود.

دوران طولانی فرمانروایی حکام صفوی غیر از مفاسد یاد شده اثر فرهنگی عمیقی در مردم ایران ایجاد کرد و فرهنگ تشیع را که در قرون اولیه ای اسلامی به ضمایم اهداف سیاسی و برای آزادی ایران همراه با نهضت شعوبیه شکل گرفته بود به یک فرهنگ عقیدتی مودوسی تبدیل نمود.

حکومت افشاریه که همزمان با فتح و فتح اشرف افغان مغز و قدرت روحانیون شیعه را محدود کرده بود با اقتدار در پی کشورگشایی و لشکر کشی به هندوستان بود. سرانجام دولت مستعجل خود را به جانشینان زندیه خویش واگذار کرد و پس از آن خواجه تاج دار قاجاری در پی یک دوره تیرد خونین خانوادگی زندیه، با تکیه بر اعتقادات مردم و اندامی ضریح به حرم امام حسین (ع) سلسله قاجاریه قاسد را بنی افکند.

پس از چندی ایرانیان بی رمق و ناتوان از کرد شاهان قاجار نیز دور شدند و با روی کار آمدن و شاهان موقتاً هم چون دوره ای افشاریه بساط فرهنگ غالب مذهبی که کزیش ایرانیان از زمان نهضت شعوبیه بود، تعلیل کردند.

او اخر دوران محمدعلی شاه مردم تازه نفس و پر توان و مجهز به رهبری روحانیت و پیشوایی حضرت امام خمینی (ره) به قوه محضرت خدای مبدء قائل را که فکر از ریشه برکنار روحانیت بی قرارش گرفته بود. سرنگون سازند حال ۲۲ سال پس از پیروزی انقلاب می گذرد. ایرانیان طی این مدت به اندازه همه تاریخ تکراری خود در حرکت های سیاسی و رفرا اندوم های گوناگون راه خود و حکام را تجربه، تجزیه و تحلیل کرده اند و با شروع حرکتی از قوم خرد اندیش توده ای و انقلابی نهایی خویش از حکام مذهبی پرداختند و سرانجام با فتح رای خویش در انتخابات شوراهای (۲) این نتیجه رسیدند که رای و نظر رهبران مذهبی و یا میلی مذهبی، نجات دهنده و آزاد کننده آنها نیست. بلکه رای آزادی و تمدن خود را در حاکمیت قانون می جویند. همان قانونی که قرآن کریم با رد هر نوع حاکمیت و ولایت غیر خود آن را به انسان ها معرفی می کند. (۳)

پی نوشت ها:
 (۱) زندگی شاه اسماعیل صفوی، رحیم زاده صفوی، (۲) ۱۱/۱۲۸ (۳) ۱۹۹۰، ۲۵۹، ۲۵۸، ۲۵۹، ۱۱۹، ۱۰۲ اسوره بقره آیت ۵۲، ۷۰، ۱۴ اسوره انعام و آیه ۱۶، توبه و آیه ۲۲ عنکبوت و آیه ۱ اسوره شوری

کتابخانه

شماره ۱۴۶ - اردیبهشت ۱۳۸۷